

## بررسی علل گرایش به عرفان‌های نوظهور در ایران و پیامدهای امنیتی ناشی از آن

مریم پسنده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۵

### چکیده

معنویت‌گرایی، تمنای فطری انسان‌هاست اما معنویت‌های نوظهور پاسخی مسخ شده به این تمنا می‌دهند. در دنیای امروز متأسفانه بسیاری از افراد مخصوصاً قشر جوان جامعه به صورت ناخودآگاه و یا تحت تأثیر برخی از رفتارها و تبلیغات از علائم، نشانه‌ها یا رفتارهایی بهره می‌برند و یا شیوه زندگی خود را به سمت‌هایی سوق می‌دهند که متعلق به عرفان‌های نوظهور و انحرافی است. این فرقه‌ها آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کنند. از این‌رو مطالعه‌ی نقادانه و بررسی علل گرایش به آن‌ها به خصوص آن‌ها که در ایران فعال هستند ضروری است. هدف این پژوهش، بررسی علل گرایش به عرفان‌های نوظهور و بررسی مهم‌ترین دلایل و بسترهای اصلی گرایش به این فرقه‌ها در کشور ایران است. برای انجام این تحقیق پس از مصاحبه با خبرگان، پرسشنامه‌ای تنظیم و بین ۴۰ نفر از خبرگان توزیع شد. تعداد ۳۶ پرسش‌نامه جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل آماری شد. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه و پایایی آن تأیید شد. پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین علت گرایش به عرفان‌های نوظهور در ایران را بسترهای فرهنگی دانسته و ریشه‌های اعتقادی، سیاسی، بسترهای فردی و علل اجتماعی را به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار داده‌اند و تأثیر «عوامل اقتصادی» را رد کردند. آنچه مهم است این است که باید با نگاهی عمیق‌تر به این علل و عوامل؛ به فکر چاره‌ای برای مقابله با گسترش این عرفان‌ها و روشن ساختن اذهان عموم باشیم تا سطحی‌نگری نسبت به این موضوع باعث تباهی نسل نگردد.

**کلید واژه‌ها:** عرفان‌های نوظهور، نحله‌های انحرافی نوظهور، عرفان کاذب، عرفان سکولار، جنبش‌های نوپدید دینی

## مقدمه

دنیا در صد ساله اخیر به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی به سمت مادی‌گرایی سوق پیدا کرد ولیکن کم‌کم به بن بست رسید و هم اکنون مردم اشتیاق زیادی به مسائل متافیزیک و ماورای جهان ماده دارند. چرا که بشریت متوجه شده که نیازهایی فوق‌مادی دارد که به این نیازها در کارخانه‌ها و محصولات جدید و تنوع در بازار و تکنولوژی پاسخ داده نمی‌شود. لذا با اشتیاق زیادی به دنبال چیزی است که بتواند روحش را اقناع کند و جوابگوی نیازهای روحی‌اش باشد برای همین اشتیاق زیادی به مسائل عرفانی پیدا کرده است. (حسینی رستمی؛ ۱۳۸۹)

معنویت‌های نوظهور، در راستای تمنای فطری انسان هستند؛ ولی پاسخی مسخ شده به آن می‌دهند. (حسینی رستمی؛ ۱۳۸۹)

نحله‌های انحرافی نوظهور، عرفان کاذب، عرفان سکولار، ادیان جدید و دیگر عناوینی که مطرح می‌شود و در عرف آکادمیک بین الملل از آن به «جنبش‌های نوپدید دینی» با علامت اختصاری <sup>۱</sup> NRM یاد می‌شود، بعد از جنگ جهانی دوم، نمود عینی یافته و در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی به اوج خود رسید. (زودین؛ ۱۳۹۱)

برخی از جامعه‌شناسان، با نگاه مثبت، پیدایش این جریانات را از روند طبیعی رشد اجتماعی دانسته و معتقدند که حاکمیت سیاسی مردم می‌بایست با دیدگاه مثبت به تبیین آن بپردازند. برخی دیگر با رهبری سران کلیساها و ادیان رسمی، ضمن مقابله جدی با این پدیده، آنها را فرقه‌های شیطانی دانسته و دشمن ادیان رسمی و سنتی قلمداد می‌کنند. گروه سوم نیز عمدتاً خانواده‌هایی هستند که از رهگذر فعالیت‌های فرقه‌ها و جذب فرزندان آنها، متضرر شده و کانون خانواده را مهمترین آسیب‌دیده فعالیت فرقه‌ها دیده‌اند، با راه‌اندازی مراکز مردم نهاد، موسوم به جنبش‌های ضد فرقه‌ای (acm<sup>۲</sup>)، راه مقابله حقوقی و قضایی را در پیش گرفته‌اند، که این مراکز عمدتاً توسط دولت‌ها حمایت می‌گردد. (شریفی؛ ۱۳۸۹: ۳۲-۲۱) اما به نظر می‌رسد فرقه‌گرایی و گرایش به فرقه‌های گوناگون در جهان حاضر به یک پدیده قابل توجه تبدیل شده است که هدف از آن ایجاد انحراف‌های فکری و عقیدتی در نسل جوان است. بسیاری از افراد مخصوصاً قشر جوان جامعه به صورت ناخودآگاه و یا تحت تأثیر برخی از رفتارها و تبلیغات، از علائم، نشانه‌ها یا رفتارهایی بهره می‌برند و یا سبک زندگی خود را به سمت‌هایی سوق می‌دهند که متعلق به عرفان‌های نوظهور و انحرافی است. (مظاهری سیف؛ ۱۳۹۰: ۴۳) و تعالیم ناشی از فعالیت‌های فرقه‌های مختلف، مروج هنجارها و کنش‌هایی است که در بسیاری موارد در تضاد با هنجارهای حاکم بر جامعه می‌باشد. (پیرعلی، ۱۳۹۰)

۱. New Religious Movement

۲. Ant. Cult Movement (ACM)

این فرقه‌ها به دلیل ارائه مطالب و روش‌های جذاب و به روز و استفاده از خواهش‌ها و نیازهای روزآمد افراد از یک جذابیت خاصی برخوردار بوده و از سویی دیگر نهایتاً به دلیل عدم برآورده‌سازی نیازها و موقتی بودن فضای تخریری و آرامش‌های کاذب القایی از سرعت دفع بالایی برخوردارند. عرفان‌های نوظهور عمدتاً موج‌وار می‌آیند و می‌روند. در ظاهر و ادعاهای خود همانند موج عمل می‌کنند، ولیکن نهایتاً به سان کف‌های بی‌ارزش روی آب، بی‌توجهی طالبان را به دنبال دارند. این سخن به این مفهوم نیست، که این فرقه‌ها فاقد تأثیرگذاری‌اند، بلکه بایستی اذعان کرد، هر چند که مدت حیات این فرقه‌ها محدود است، ولیکن تأثیرات تخریبی آن در جامعه نسبتاً ماندگار بوده و اندیشه‌ها و تفکرات جذب‌شدگان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. (مظاهری سیف؛ ۱۳۸۹ ب)

حداقل آثار تخریبی این فرقه‌ها، حتی در اذهان و اندیشه‌های بریدگان از فرقه، تقلیل تعصب و تعلق نسبت به ارزش‌ها و باورهای اسلامی و ترویج اندیشه مخرب پلورالیزم می‌باشد. جزمیت و قطعیت در برخی اصول، با آشنایی با این فرقه‌ها رنگ باخته و نسبی‌گرایی جای آن را می‌گیرد. مسلمات به ورطه‌های شک و تردید افتاده و اذهان بیمار و نارس را در معرض لغزش به شبهات ساختگی قرار می‌دهد. حیرانی و سرگشتگی آدمیان را در دنیای مدرن فزونی بخشیده، توجیه را به مسند همه چراها می‌نشانند.

این حقیقتی است که الان شبه عرفانها در جامعه در میان جوانان وجود دارد و روز به روز رو به افزایش است، به خاطر اینکه مطالبات جوانان افزایش پیدا کرده و ارتباط آنها با جهان غرب باعث شده که انتظاراتشان از محیط بالاتر برود و در عین حال اگر احساس کنند امکانات لازم برای پاسخگویی را ندارند، به امور ماورایی که بخشی می‌تواند اصل باشد و برخی غیر اصل، روی بیاورند. (مفیدنژاد؛ ۱۳۸۷)

شناخت نقاط ضعف و کژی‌ها و کاستی‌های عرفان‌ها یا ادیان عصر جدید، کمک می‌کند در ارائه امروزین عرفان اسلامی و بازتولید تعالیم و آموزه‌های آن بر اساس شرایط مخاطب معاصر، به بیراه نرویم و آسیب‌های نوآوری در این حوزه را کاهش دهیم. (شریفی دوست؛ ۱۳۹۱: ۶۵-۵۳) این است که شناسایی علل و بسترهای گرایش به عرفان‌های نوظهور در ایران به ویژه در نسل جوان ضروری به نظر می‌رسد تا بر مبنای آن بتوان برای مقابله با این نوع گرایش‌ها راهکاری مناسب یافت.

مولی الموحیدین امیر المومنین علی (ع) در خطبه ۱۴۷ نهج البلاغه می‌فرمایند: "هرگز نمی‌توانید راه رشد را بیابید، مگر آنکه راه انحراف را هم نشان دهید."

براساس مطالب بالا سوال تحقیق عبارت است از:

علل اصلی گرایش به عرفان‌های نوظهور در ایران چیست؟

## ۱) مبانی نظری

### ۱-۱) چیستی عرفان‌های نوظهور:

همان طور که از اصطلاح عرفان‌های نو ظهور مشخص می‌شود، عرفان‌های تازه تأسیسی هستند که هیچ گونه اصالت و صبغه دینی ندارند و محصول تفکرات واهی و کاذب می‌باشند به همین دلیل عرفان‌های کاذب خوانده می‌شوند. به عبارتی این‌ها در واقعیت عرفان نیستند بلکه سراسر جهل و نادانی‌اند. بشر امروزی با تجربه تفکرات مادی به پوچی رسیده و برای فرار از این بن بست به زعم خود به سوی معنویت پناه آورده و به عبارتی از چاله به چاه افتاده است. جنبش‌های نوپدید دینی که عمدتاً از جنگ جهانی دوم به بعد ظهور کردند در اواخر دهه هفتاد در جوامع غربی برجسته شدند. این جنبش‌ها را نمی‌توان تحت یک قانون واحد و کلی درآورد؛ برخی به دلایل مختلف موفق و برخی شکست خورده و ناکام ماندند. (مه‌دوی کنی؛ ۴۱:۱۳۸۶) آنچه در تعریف این جنبش‌ها پررنگ جلوه داده می‌شود، تأکید بر سه واژه «جنبش»، «نوپدید» و «دینی» است. (کیانی: ۱۳۹۱)

شکل‌گیری این عرفان‌ها، معلول علت‌های متنوع و متکثری است که در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی قابلیت تبیین پیدا می‌کند. حاکمیت وجوه متکثر و ابعاد متعدد در عرفان‌ها، هم بر پیچیدگی آن در تبیین مسئله و پدیده‌شناسی می‌افزاید و هم راه‌کارهای برخورد با این پدیده را با موانع جدی رو به رو می‌سازد. کم نیستند تعداد فرقه‌هایی که با هدف کلاهبرداری و کسب درآمد شکل گرفته‌اند، اما تداوم حیات و توسعه این فرقه‌ها در گرو مجموعه متنوع و متکثری از مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بوده است. (داداشی آذر؛ ۱۴:۱۳۹۱)

بسیاری از منابع مربوط به این دیدگاه‌ها برگرفته از فرهنگ‌های حاکم در غرب می‌باشد که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ما تفاوت دارند و برخی از این گروه‌ها نیز از حد اعتدال خارج شده و دچار افراط و تفریط می‌شوند.

بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان این عرفان‌ها را به صورت ذیل طبقه بندی کرد:

#### الف) فرقه‌های دینی:

عرفان‌هایی هستند که به نوعی با برخی از انحرافات به وجود آمده در ادیان، شکل گرفته‌اند. موارد زیر نمونه‌هایی از این عرفان‌ها هستند.

۱- فرقه‌های انشعابی از دین اسلام مثل: تصوف (صوفی‌گری)، اسماعیلیه، نورعلی الهی، اهل حق،

بهائیت، انجمن حجتیه

۲- عرفانهای مسیحی:

✓ عرفان در قرون اولیه مسیحی: قدیس آگوستین-کاسین

✓ عرفان در قرون وسطی مسیحی: برنارد- ریچارد- هیلدگارد- فرانسیسیان

۳- عرفان یهود: کابالا یا قبالا

**ب) عرفان‌های نوظهور سکولار:**

۱- هندی:

✓ آیین‌های باستانی: (آیین ودایی-هندوئیسم-جین-بودا-تنتره)

✓ آیین‌های نوظهور: (یوگا-کریشنا-یوگاناندا-دالای لاما-رام الله-سای بابا-اشو)

۲- آمریکایی: (سرخپوستی-اکنکار-پائولو کوپیلو)

۳- انگلیسی: در قرون وسطی: جولیان نوری چی- ریچارد رول- والتر هیلتون (چترجی: ۴۸-۲۳-۱۳۸۴)

در جدول شماره (۱) عرفان‌های نوظهور فعال و رایج در ایران با هم مقایسه شده اند تا برخی از اهداف

پیدایش آنان مشخص گردد.

**جدول ۱- مقایسه عرفان‌های نوظهور فعال در ایران**

مؤسس	شيطان پرستی	اوپو	نوع بنا	اکتار	رام الله	پائولو کوپیلو	دالای لاما	فالون دافا	سرخپوستی
مؤسس	انتوان لوی	باگون شری راجیش	یاسوامی سائیا سای بابا	پائول توتیچل	شیخ کبیر پانتیس	پائولو	لهامو تاندوب	لی هنگچی	کارلوس کاستاندا
سال تأسیس	۱۹۶۶	۱۹۵۲	۱۹۴۰	۱۹۶۵		۱۹۴۷	۱۹۵۴	دچار تردید	
محل تأسیس	شیکاگو	هند	هند	آمریکا-با الهام از آموزه‌های شرقی	هند	ریودوژالینرو پایتخت سابق برزیل			آمریکا
لقب مؤسس	اسقف اعظم کلیسای شیطان (پاپ سیاه)	باگون شری یعنی آقای مقدس			لقب نماینده در ایران: آواتار	پائولو	تنزین گیاتسو		کاستاندا
کتاب مقدس	جادوی شیطان، مناسک شیطانی	راز-تفسیر اوشوبر داستانهای تصوف اسلامی- مراقبه-یک فنجان چای- تانترا-خلافت		کتاب توتیچل	دارای علامت خاص(دایره داخل مثلث)			مسلک +۱۲ کتاب ترجمه شده به فارسی	
نحوه تبلیغ	اینترنت-ترویج نمادها-ترویج		سایت رسمی- نرم افزار-لوح	ارتباط با ایمیل یا پیروان-بارتی	ترویج بوسیله امام:رام الله	رمان و قصه؛ مفاهیم القایی	حمایت از سیا جهت تبلیغ	مظلوم نمایی-از حساسیت ایرانی	کتاب‌ها و محافل جادوگری

متالیکا-پارتی های شبانه- انتشار سی دی	فشرده - مبلغان هندی مثل مهر بابا	های شبانه	جادوگری	ها به اعتقادات مذهبی به دروغ و زیرکی می‌پردازند.
(۱) جایگزینی ناپاکی به جای پاکی (۲) عدم وجود حریم و خط قرمز (۳) نادیده گرفتن مسئولیت پذیری	(۱) خدارا فراموش کنید (۲) نفی علم و فناوری؛ فلسفه و ... (۳) نفی الگوهای ارزشی (۴) تنها چیز مقدس رابطه جنسی طولانی است.	(۱) قادر ساختن روح بر ترک کالبد (۲) سفر به دنیای معنوی (۳) تنها راه شناخت خدا طی الارض است. (۴) تأکید بر دو ویژگی روح مقدس (نور و صوت)	(۱) تناسخ و چرخش گوناگون ارواح (۲) ترکیب اسلام و هند	(۱) قلب بهترین رهنماست (۲) اهره توشه همان عشق است که لژیوماً باید زمینی و جنسی باشد (۳) عقاید مارکس زمینه معرفت و دینداری قائل به تنوع و تکثر به اصطلاح پلورالیسم
شیطان	سای بابا مدعی است روح خدا در جسم او حلول کرده است.	خدای ویشنور(رام)+ خدای اسلام (الله)	قلب هرکس	اعتقادی به وجود خدا ندارند
معبود	نبروهای ماورایی-اعتقادات آن بر اساس تولدت یکی از آیین‌های میمان آمریکاست.			

## ۲-۱) علل پیدایش عرفان‌های نوظهور:

یکی از فطریات انسان، حریت و آزادی است. به موجب این خواست فطری، انسان دوست دارد که تحت تأثیر عوامل خارج نبوده، اراده‌اش نافذ باشد و مانعی از جانب او بر فعل او مؤثر نشود. در ادیان شرقی آموزه‌ای به نام موکشا<sup>۱</sup> وجود دارد که به معنای آزادی و رهایی است؛ رهایی از رنج زندگی در قید و بندهای این جهان و آزادی از اوهام و فریب‌هایی که اندیشه و قلب ما را محدود و اسیر کرده است. (مظاهری سیف، ۱۳۸۹ الف) در مورد عرفان‌های نوظهور نیز؛ این مطلب صدق می‌کند، به این بیان که هجوم مردم به معنویت و کاستی‌های ادیان سنتی و کلیساها، و نبود مباحث معنوی ناب و امروزی، زمینه مطرح شدن معنویت‌های نوین را فراهم نموده است. به دلیل این که؛ معنویت‌های بدلی و حرف‌هایشان در طول تاریخ وجود داشته و همیشه به دنبال فرصتی برای عرضه افکار خود به جامعه بوده اند، و این عصر که عصر هجوم مردم به معنویت است، این عرفان‌های بدلی فرصتی برای ظهور و مطرح کردن خود پیدا نمودند.

اما علت اصلی پیدایش این عرفان‌ها را می‌توان در یک نکته مهم دانست و آن این است که مردم در عصر حاضر وقت کمتری برای بالا بردن سطح معلومات دینی خود صرف می‌کنند و این خلأ از معلومات مورد نیاز دینی، باعث شده که زمینه برای سوء استفاده دیگران فراهم شود. این عرفان‌ها، مدعی رفع کردن

۱. Moksha

نیازهای انسان امروزی هستند و هر کدام با توجه به یکی از ابعاد انسان و یا نیاز او، دستورالعمل‌هایی داده و از مخاطبان خود عمل به آن‌ها را می‌خواهند. ما نمی‌توانیم تولید این جنبش‌ها را متوقف کنیم اما می‌توانیم و البته موظفیم با داشتن شناخت کامل از دین خود و عرفان‌های نوظهور، خود و اطرافیان مان را در مقابل این انحراف‌ها بیمه کنیم. (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۲).

میلتون، پرکارترین محقق در حوزه جامعه‌شناسی عرفان‌های نوپدید می‌نویسد: بیش از دوهزار فرقه معنویت‌گرا در آمریکا و بیش از دوهزار جریان معنویت‌جویی در اروپا است و درصد کمی از آن‌ها مشترک‌اند. (ضابط، ۱۳۸۳)

در چند دهه گذشته حدود چهار هزار مکتب و فرقه‌ی عرفانی و معنوی در جهان غرب شکل گرفته است. این جریان‌های معنویت‌گرا، طیف بسیار متنوعی را شامل می‌شوند که از عرفان ادیان ابراهیمی تا استفاده از مواد مخدر و روابط آزاد جنسی را در برمی‌گیرد. درواقع، هر چیز که به نوعی فرصت‌رهایی از چارچوب‌های جامعه مدرن و روگردانی از هنجارهای تمدن مادی و سرمایه‌داری را فراهم کند، معنویت شناخته می‌شود. مادیت برای انسان معاصر، همین الگوی یکنواخت زندگی غربی و ارزش‌ها و اهداف زندگی روزمره است و به هر نحو که بتوان از این چارچوب خارج شد و نفسی کشید، صورتی از معنویت ایجاد شده است. معنویت در فرهنگ امروز انسان مدرن یا پست‌مدرن هرگونه فراروی، روگردانی و نه گفتن به معیارها و هنجارهای زندگی مادی مدرن است. (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۱)

طبق عادت دنیای مدرن، که برای هر نیاز مادی انواع الگوهای رفع آن نیاز را تدارک دیده و آن را «مد» می‌نامند، همه روزه شاهد انواع و اقسام مسالکی می‌باشیم که «عرفان نوظهور» نامیده می‌شوند و جامعه‌ی دینی را دچار چالش نموده‌اند.

برخی از دلایل پیدایش عرفان‌های نوظهور را می‌توان به طور خلاصه این‌گونه بیان نمود:

- ۱- کاستی‌های ادیان سنتی، خصوصا عملکرد بد کلیسا و خودخواهی‌های آن‌ها.
- ۲- گرایش به معنویت که یک گرایش اصیل است؛ به همین دلیل برخی معتقدند که بشر در عصر بحران معنویت به این جنبش‌های معنوی نوین، برای پاسخ گرفتن نیازهای امروز، نیاز دارد.
- ۳- مدرنیته شدن غرب و دور نگه داشتن مردم از معنویت به بهانه این که فناوری می‌تواند جای همه چیز را بگیرد.
- ۴- راحت طلب شدن مردم به خاطر بالا رفتن سطح مالی و توجه به مسایلی که آسان و سریع به دست می‌آید می‌تواند یکی از علل پیدایش این عرفان‌ها باشد.
- ۵- تجربه لذت معنوی که هر انسانی خواهان رسیدن به آن است.
- ۶- مسایل اقتصادی: در برخی از این فرقه‌ها، پول‌های فراوانی از طرفداران شان گرفته شده است.

- ۷- مسایل سیاسی: گروه‌هایی برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود به تولید برخی از این فرق، دست زده‌اند.
- ۸- مقابله با انقلاب اسلامی و جلب توجه به تضعیف شیعه که خود می‌تواند دلیلی دیگر برای افزایش تعداد این عرفان‌ها به منظور جلوگیری از توجه غرب به مکتب تشیع باشد. (فعالی، ۱۳۹۱: ۵۳-۴۰)

### ۱-۲-۱) مبدأ عرفان‌های نوظهور:

از حدود چهارصد سال پیش در مغرب زمین، اندیشه‌ای پیدا شد که بعدها تمام جهان را فراگرفت و آن تفکر، توانایی بشر در تأمین سعادت و بی‌نیازی از دین و تعالیم مقدس بود. انسان دورهٔ رنسانس، پنداشت که با سه شعار «عقل»، «طبیعت» و «پیشرفت» می‌تواند بهشت موعود را در زمین بنا کند و فریاد استغنا از دین و معنویات و خداوند را در زمین طنین افکن سازد؛ اما با گذشت چند قرن و وضعیت فلاکت بار زمین در قرن بیستم و پس از دوجنگ ویرانگر جهانی و آسیب‌های گسترده محیط زیست به واسطهٔ فناوری و رشد دانش بشری در سه شعار عصر روشنگری، تردید جدی پدید آمد. آیا عقل برای فهم هرچه به سعادت بشر می‌انجامد کافی است؟ آیا طبیعت، تنها حقیقت هستی است و جهانی فراتر از آن وجود ندارد؟ و آیا پیشرفت علمی و مادی می‌تواند به خوشبختی و کامیابی بشر منجر شود؟ (هیوم، ۱۳۸۶: ۱۱)

این تردیدها، مرحلهٔ نوینی را برای تمدن کنونی بشر ایجاد کرده که آن را دورهٔ پست مدرن می‌نامند. در این دوران، مرز میان مدرن و کهن، کم‌رنگ شده و انسان، درمان ناکامی‌ها و جبران شکست‌های خود را در میراث کهن بشری از جمله معنویات می‌جوید. شکست علم، فناوری، اصالت دادن به عقل دنیااندیش، طبیعت‌گرایی افراطی و نفی ماوراء، زمینه‌ساز رویش و پیدایش عرفان‌های نوظهور بوده است. معنویت‌های نوظهور، می‌کوشند عالم غیب و فراطبیعت را با راه‌هایی مرموز و سحرآمیز و غیر عقلانی جست‌وجو کنند. «اکنکار» مصداق بارز این نوع نگرش به عالم است که با طرح اندیشه سفر روح به عوالم بالا، از طبیعت فرا رفته و با راه‌هایی که پیشنهاد می‌کند عقل را با شیوه‌های دیگری جایگزین کرده است و می‌خواهد به جای پیشرفت در زمین، تعالی و عروج روح را به انسان معاصر پیشنهاد کند. (هیوم، ۱۳۸۶: ۱۳)

اینفورم<sup>۱</sup> در بایگانی خود بالغ بر ۲۶۰۰ گروه مختلف دارد که غالب آن‌ها جنبش‌های نوپدید دینی نام دارند. همچنین "هارولد ترنر" تخمین زده که حدود ۱۰۰۰۰ دین جدید با بیش از دوازده میلیون پیرو، در میان طایفه‌های مختلف وجود دارد، آنچه مسلم است تعداد این فرق و انشعابات شان در حال حاضر به بیش از ده هزار مورد می‌رسد. (باقریان، ۱۳۸۸)



در آغاز دهه ۷۰ میلادی تعداد این فرقه‌ها در غرب تعداد ۷۸ فرقه وجود داشت و در آغاز دهه ۹۰ میلادی ۳۵۰ فرقه، ولی امروز تعداد آن‌ها فقط در غرب بالغ بر ۲۵۰۰ فرقه نوپدید دینی می‌باشد، (محمودزاده، ۱۳۸۹) به نظر می‌رسد واژه‌ی جنبش‌های نوپدید دینی اولین بار در ژاپن مورد استفاده قرار گرفته است و هم‌زمان با آزادی عقیده در غرب و ازدیاد انتخاب‌ها و گزینش‌های دینی، این جنبش‌ها گسترش پیدا کردند. (ضابط، ۱۳۸۳)

علت به‌وجود آمدن جنبش‌های جدید در ۲۰۰ سال گذشته را می‌توان در شرقی شدن غرب و غربی شدن شرق دانست. به این بیان که از زمانی که ارتباط شرق و غرب گسترش یافت، و دنیای مدرنیته غرب به شرق وارد شد، و از طرفی برخی از رهبران مذهبی شرق به غرب سفر کرده و در دنیای غرب به آموزه‌های خود پرداختند، این روابط و این جابجایی‌ها، منجر به ایجاد جنبش‌های نو پدید دینی در غرب و شرق گردید. (ضابط، ۱۳۸۳)

### ۲-۱) نقش سازمان‌های اطلاعاتی در پیدایش فرقه‌های نوظهور:

برابر تفکر سنتی رایج، فرقه‌ها، مولود قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی هستند. این تفکر تا چه حد درست به نظر می‌رسد؟ آیا واقعاً شکل‌گیری هزاران فرقه و نحله در طول تاریخ حیات فرقه‌ها، که به طول حیات بشری است، در گرو برنامه‌ریزی و طراحی قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی بوده است؟ پاسخ این سؤال قطعاً منفی است؛ چرا که حیات قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی بسیار کوتاه‌تر از سابقه حیات فرقه‌ها و نحله‌هاست؛ اگر چه کتاب، مقاله و مصاحبه‌های متعددی وجود دارد، که به بحث فرقه‌سازی توسط سرویس‌های اطلاعاتی پرداخته است، لیکن این مسئله منطقی به نظر نمی‌رسد و پژوهش‌های مربوط نیز به غیر از مجموعه‌ای از اعترافات که عمدتاً در جهت عملیات روانی قابل تعریف است، مستندی بر این ادعا ارائه نکرده‌اند.

شاید پاسخ به یک سؤال، ما را به نتیجه‌گیری مهمی نزدیک‌تر سازد. و آن این است که آیا بازه‌ای از تاریخ بوده است، که با وجود قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی و یا فقدان آن، جامعه بشری از وجود فرقه‌ها تهی بوده باشد؟ پاسخ هر دو وضعیت در سؤال، منفی است؛ زیرا چه زمانی که قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی بوده‌اند و چه زمانی که نبودند، فرقه‌ها همواره از پدیده‌های ثابت جامعه بشری بوده و در زندگی اجتماعی حضور داشته‌اند.

این نتیجه‌گیری، هرگز به مفهوم تطهیر فرقه‌ها از دخالت قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی نبوده بلکه می‌توان با قاطعیت اعلام کرد که هیچ قدرت و سرویس اطلاعاتی وجود ندارد که بخشی از توجه خود را به

فرقه‌ها معطوف نکرده باشد. بلکه منظور نگارنده و نتیجه‌گیری در این بحث این است که به جز موارد استثنایی، قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی نقش هدایتی در این موضوع داشته‌اند، نه نقش تأسیس و ایجاد. فرقه‌ها و نحله‌ها به علل مختلف در بسترهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی به وجود می‌آیند و بعد از ظهور و توسعه، مورد طمع قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی قرار گرفته و توسط آن‌ها هدایت می‌شوند و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. بنابراین، در ادعای مذکور، نقش ایجاد سرویس اطلاعاتی (به جز موارد استثنایی) انکار می‌شود، نه نقش هدایت آن‌ها. (داداشی آذر؛ ۱۳۹۱: ۳۶)

مطلب مهم دیگر، پاسخ به این سؤال است که هدف یا اهداف قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی از هدایت فرقه‌ها چیست؟ بدیهی است که قدرت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی از هر یک از فرقه‌ها و نحله‌ها به تناسب استعداد و ظرفیت آنها و تناسب نیازمندی‌های زمانی، استفاده و بهره‌برداری می‌کنند. اگر فرقه‌ای، توانسته است شاگردان و پیروان خود را در عالی‌ترین سطوح قدرت یک کشور ارتقاء داده و نفوذ دهد، سرویس‌های اطلاعاتی در مدیریت و هدایت این فرقه، قطعاً به ظرفیت جاسوسی آن اهمیت خواهند داد. فرقه‌ای که دارای ظرفیت اغتشاش و غائله‌آفرینی است و می‌تواند قدرت سیاسی کشوری را از این طریق به تحلیل بکشاند، سرویس اطلاعاتی کشورهای حریف، به این بخش از ظرفیت فرقه توجه و طمع خواهند نمود. (داداشی آذر؛ ۱۳۹۱: ۳۷)

### ۳-۲-۱) وابستگی حیات سرمایه‌داری به عرفانهای نوظهور:

دلیل دیگر پیدایش این عرفان‌های نوظهور علت اقتصادی است. وقتی انسان نیاز داشته باشد و این نیاز به حد اضطراب برسد، حاضر است به هر قیمتی نیاز خود را برآورد. از این رو سرمایه‌داران بزرگ جهانی هر نیازی از مردم را به عنوان فرصتی برای سرمایه‌گذاری و سوددهی می‌بینند. معنویت هم در روزگار ما موضوعی نایاب و گران‌بهاست که مردم حاضر اند برای آن سرمایه‌گذاری کنند. کتاب‌ها، دوره‌های آموزشی گوناگون، ساختن خدایان در کشورهای مختلف به خصوص هند و تشویق مردم برای زیارت آن‌ها، کسب و کار پر رونقی را برای سرمایه‌داران فراهم کرده است. برای مثال سای بابا<sup>۱</sup> در هند که در یک روستا به نام پورجا پاتی زندگی می‌کرد، به عنوان خالق جهان هستی معرفی شده و امروز آن روستا دارای فرودگاه، هتل‌های متعدد و فروشگاه‌هایی بزرگ است که با سرمایه‌های بزرگ ایجاد شده و سود سرشاری را به دنبال دارد. (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۶)

در دهه ۱۹۶۰، جنبش‌های دانشجویی، تمام اروپا و آمریکا را فرا گرفت. در این جنبش‌ها جوانانی که با ارزش‌های سرمایه‌داری و نظام تمدن مدرن راضی نشده و احساس سرخوردگی و ناکامی می‌کردند، دست به شورش‌های خیابانی زدند، در گیرودار همین جنبش‌ها بود که معنویت‌های نوظهور جوانه زد، و مفاهیمی؛ نظیر عشق، تجربه جهان نامرئی، شیطان، ماری جوانا، ال‌اس‌دی و غیره وارد فرهنگ جوانان غربی شد. (شریفی، ۱۶:۱۳۹۱)

### ۳-۱) شاخص‌ها و ویژگی‌های عرفانهای نوظهور:

مسالک جدید، چون دغدغهی حقانیت و حقیقت‌ندارند و در حوزه‌ی روش هم کارکرد برای آن‌ها اصالت دارد و نگاه ابزاری صرف به روش دارند، خود را مجاز به اخذ و اقتباس، ولو متعارض و متناقض، از مکاتب متعدد و مختلف می‌دانند. این نحو از تلفیق، منجر به ظهور جدی نوعی «التقاط» در این مسالک شده است. مسالک معنوی جدید، از یک یا چند عرفان تاریخی بهره می‌برند و حتی آن‌ها را گاه با عرفان‌های مسیحی، اسلامی و یهودی ترکیب کرده و تعالیم خود را با زبان و ذائقه‌ی انسان معاصر به عنوان دستورالعمل‌هایی ترکیبی عرضه می‌نمایند. (ظہیری، ۱۳۹۱)

توجه به این نکته می‌تواند مانع خیلی از اشتباهات باشد؛ این که جوانی به سراغ یکی از این فرقه‌ها، چه داخلی و چه خارجی آن رفته و می‌بیند که در آنجا نیز از خدا گفته می‌شود، این تصور کاملاً غلطی است که فکر کند منظور آن‌ها از خدا همان خدای اسلام است، بلکه با کمی تحقیق و تفکر به این نتیجه خواهد رسید که خدایی که در درون این جنبش‌ها از آن صحبت می‌شود با خدای واقعی تفاوت دارد. این جنبش‌ها برای پیشبرد اهداف خود در جذب نیروی انسانی، به دنبال اشخاص تأثیرگذار هر جامعه می‌روند. بر اساس اولویت جذب عموم این جنبش‌ها، می‌توان پیروان این جنبش‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

- سیاست‌مداران درجه دوم و سوم.
- تحصیل‌کرده‌ها اعم از دبیرستانی و دانشگاهی.
- ثروتمندها و سرمایه‌داران جامعه.

ماهیت و شاکله عرفان‌های نوظهور بر پایه سه عنصر اساسی مترتب است که عبارتند از:

- ۱) عدم اعتقاد به خداوند یکتا.
- ۲) فاقد شریعت و حیانی و آسمانی.
- ۳) عدم اعتقاد به قیامت و جهان دیگر. (درگاهی‌فر، ۱۳۹۰)

آنچه به طور کلی می‌توان در خصوص شاخص‌ها و ویژگی‌های عرفان‌های نوظهور بیان کرد، شامل موارد ذیل می‌باشد که باعث جذب افشار مختلف جامعه به این فرقه‌ها می‌گردد و جذابیت لازم را برای طرف داران خود تا حدودی مهیا می‌سازد:

۱. التیام موج‌های روانی: انسان امروز در زندان تنهایی، گسستگی پیوندها، فشارهای روانی، اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، پوچی و بی‌معنایی گرفتار است. معنویت‌های نوظهور صرفاً برای حل این مشکلات به عرصهٔ حیات بشری وارد شده است.

۲. ناتوانی از ایجاد تحول در زندگی: ناتوانی از ایجاد تحول و بسنده نمودن به حداقل تغییرات خاموش در فرد از ویژگی‌های این موج است.

۳. ستم‌پذیری: این معنویت‌ها می‌کوشند مردم را تسلیم نظم موجود و مطیع قدرت‌های حاکم گردانند و سکوت در برابر ستم را به آن‌ها می‌آموزند و به عنوان یک ارزش اخلاقی و معنوی تعلیم می‌دهند.

۴. اسراف میراث معنوی انسان: در معنویات صحبت از شادی، معنا، زندگی، عشق، خدا، آرامش، روح و... است اما هیچ‌کدام به معنای حقیقی و عظیمی که دارند نمی‌رسند. این معانی سطحی و حداقلی که معنویت‌های نوظهور ارائه می‌دهند، به راستی اسراف در میراث معنوی بشر است. (درگاهی‌فر؛ ۱۳۹۰)

#### ۴-۱) آسیب‌های عرفان‌های نوظهور

در ایران، گرایش به این فرقه‌ها به دلیل منشأ شناختی، بسیار کم دیده شده است. عمده دلیل گرایش برخی از جوانان به این فرقه‌ها، بیشتر از سر لهو و لعب است که متأسفانه، بدون این که هیچ‌گونه شناختی از عقاید اصلی این فرقه‌های منحرف داشته باشند، به دام آن‌ها گرفتار می‌شوند: همچنین به علت وعده‌های کذب سرکرده‌های این مکاتب، عده‌ای از افراد که مشکل مالی دارند و در پاره‌ای موارد دارای مشکلات عقیدتی نیز هستند به این فرقه‌ها، گرایش می‌یابند. (محمودزاده، ۱۳۸۹)

آسیب‌های فرقه‌ای در ابعاد مختلفی قابل تبیین و بررسی است. از بعد انفرادی، فرد تا خانواده، جامعه و منافع و مصالح ملی می‌تواند در معرض این آسیب‌ها باشد.

عرفان‌های نوظهور فعال در ایران دارای مولفه‌هایی هستند که با آنچه از آن به فرهنگ بومی ایرانیان یا فرهنگ اسلامی ایرانی یاد می‌شود در تقابل آشکار است و گسترش تدریجی این باورها در بلندمدت باعث ایجاد تغییرات اساسی در فرهنگ دینی ما خواهد شد. این مولفه‌ها عبارتند از:

۱- انسان محوری در برابر خدامحوری

۲- تناسخ‌گرایی در برابر معاد باوری

۳- لاابالی‌گری در برابر شریعت‌گرایی

- ۴- دنیابنداری در برابر عاقبت اندیشی
- ۵- عشق جنسی در برابر عشق معنوی
- ۶- آسایش مادی در برابر آرامش معنوی
- ۷- تفکر گریزی در برابر تفکر گرایی
- ۸- خرافه پنداری در برابر واقعیت گرایی
- ۹- تکثرپذیری در برابر حقیقت طلبی
- ۱۰- تعبد کورکورانه در برابر حقیقت طلبی
- ۱۱- شادی ظاهری در برابر سرور درونی (کیانی، ۱۳۸۸)

#### ۵-۱) پیامدهای امنیتی گرایش به عرفان‌های نوظهور:

شکل‌گیری فرق و نحل، معلول علت‌های متنوع و متکثری است که در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی قابلیت تبیین پیدا می‌کند. در روند تغییرات حاصل از فعالیت این فرقه‌ها، آنچه از همه بیشتر مورد ستیز و عناد قرار می‌گیرد، سنت و هنجارهای رایج و پذیرفته شده است. این آثار نخستین، هرگز متوقف در این مقدمات نگردیده و نهایتاً هویت‌های خرد و هنجارهای نوپدید در تعارض با هویت‌های کلان و هنجارهای مقبول، آن هویت‌خواهی را به عرصه‌های اجتماعی تحمیل می‌نمایند، که مورد طمع غرب و جریان‌های ضداسلامی قرار می‌گیرد. این فرصت ساخته شده، به تدریج بر شکاف‌های دینی دامن زده و جایگاه دین را به عنوان ستون خیمه هویت و امنیت ملی در ایران، مخدوش می‌سازد و بستر وضعیتی را فراهم می‌سازد که حمایت سیاسی را جهت حفظ انتظام اجتماعی، به پذیرش حداقل‌های حکومت سکولار مجبور سازد. (مظاهری سیف، ۱۳۸۹ب)

یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، مذهب و دین است، و به همین دلیل یکی از راه‌های ضربه زدن به امنیت ملی، تضعیف دین و مذهب و اعتقادات مردم است و در این خصوص یکی از راه‌های تضعیف اعتقادات و گرایش به دین و مذهب در مردم، ایجاد فرقه‌های نوظهور و جذاب نشان دادن آن‌هاست. این نکته که زمانی که جامعه‌ای دچار آسیب دیدگی فرقه‌ای گردد، بستر خوبی برای دخالت بیگانگان و پیاده کردن اهداف سوءشان می‌گردد، کاملاً قابل پیش‌بینی است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ایجاد تعارض مراجع دینی و متدینین با حاکمیت سیاسی به بهانه عدم برخورد حکومت با فرقه‌ها
- بسترسازی برای تهاجمات نرم بیگانگان
- مخدوش کردن هویت ملی

- بسترسازی برای بهره برداری سرویس‌های اطلاعاتی
  - خلق بهانه برای دخالت‌های بیگانگان به‌ویژه در بعد مباحث به اصطلاح حقوق بشری.
- (داداشی آذر، ۱۳۹۱)

### ۶-۱) بسترهای گرایش به عرفان‌های نوظهور:

دین و دینداری یکی از قدیمی‌ترین پدیده‌های اجتماعی و از نیرومندترین و پایدارترین نهادهای زندگی اجتماعی انسان در طول تاریخ بوده است. هر یک از ادیان موجود، اعتقادات خود را برحق شمرده و داعیه به سعادت رساندن بشر را داشته است و به تبع آن، ادیان دیگر را لااقل ناقص تلقی و در بدترین حالت، انحرافی و الحادی قلمداد کرده و با آن به جنگ و ستیز پرداخته است.

این حقیقتی است که الان «شبه عرفان‌ها در جامعه در میان جوانان وجود دارد و روز به روز رو به افزایش است»، به خاطر اینکه مطالبات جوانان افزایش پیدا کرده و ارتباط آن‌ها با جهان غرب باعث شده که انتظاراتشان از محیط بالاتر برود و در عین حال اگر احساس کنند امکانات لازم برای پاسخ‌گویی را ندارند، به امور ماورایی که بخشی می‌تواند اصل باشد و برخی غیراصل، روی بیاورند. (محمودزاده، ۱۳۸۹)

آزادی، عشق و شادمانی در تکاپویی معنوی و تعالی به سوی خداوند حاصل می‌شود، اما گم کردن او و نشناختن شریعتی که راه رسیدن به اوست، انسان را آواره و سرگردان ساخته و در نهایت به هیچ سرمنزلی جز بی‌پناهی نخواهد رساند. (مظاهری سیف؛ ۱۳۸۹ج)

علل گرایش به این عرفان‌ها در کشور ما بسیار است. بر اساس مطالعات انجام شده و مصاحبه‌هایی که محقق با خبرگان و اندیشمندان فعال در این زمینه انجام داده است؛ علل عمده گرایش به این نوع عرفان‌ها به شرح ذیل بیان شده است:

#### ۱-۶-۱) ریشه‌های اعتقادی:

الف) آنچه در ظواهر زندگی مادی وجود دارد نمی‌تواند فلسفه آفرینش انسانی باشد که خداوند باری تعالی او را «احسن‌الخالقین» نامیده است. به همین دلیل هر فرد معتقدی بر این باور است که خوشی و ناخوشی، زیبایی و زشتی، خوبی و بدی زندگی مادی محدود و در کنار هم است. اما برخی افراد از جنبه‌های منفی زندگی گریزان هستند و خوبی و زیبایی و خوشی و خوش‌گذرانی آن‌را به حد لایتناهی می‌خواهند و قائل به محدودیت در آن نیستند به همین دلیل به نظر می‌رسد که با ظاهر گرایی به ظاهرآرایی پرداخته و به دنبال عرفانی می‌روند که فقط از خوشگذرانی مطلق دم می‌زند.

ب) ادیان الهی یکی پس از دیگری کامل‌تر شده تا به دین اسلام رسیده است؛ اما مسلم است اگر در جامعه افراد نسبت به معارف و مبانی دین شناخت کامل نداشته باشند و برای شناخت تلاش کافی نکنند و

از طرفی نگرش‌های موجود در ادیان الهی در خصوص مسائل روز نیز به روشنی تبیین نشود، به ظاهر دین بیشتر از باطن آن توجه می‌شود و بعد سیاسی دین نمود عمیق‌تر و بارزتری از بعد معنوی آن پیدا خواهد کرد. افرادی که به باورهای عمیق دینی نرسیده‌اند در یافتن حقیقت و پاسخ به ندای فطرت حقیقت‌جوی خود دچار انحراف شده و در پاسخی عجولانه و غیرمنطقی به ندای فطرت خود به جای اتکا به ادیان حقیقی به تارهای عنکبوتی عرفان‌های کاذب بشری دست می‌آویزند و به آن‌ها گرفتار می‌شوند.

### ۲-۶-۱) بسترهای فرهنگی:

تهاجم فرهنگی و بزرگ‌نمایی پیشرفت‌های فرهنگی موجود در فرهنگ‌های متجددمآبانه غرب و اصالت بخشیدن به این نوع فرهنگ به جای فرهنگ اصیل ایرانی و فرهنگ پیشرفته اسلامی و نیز تبلیغ برای ریشه‌دوانی این نوع فرهنگ در درون تجددگرایانی که فرهنگ غرب را مدینه فاضله خود دانسته و آن را برگزیده‌اند از یک طرف و عدم وجود برنامه‌های فرهنگی برای ارضای نیازمندی‌های موجود جامعه از طرف دیگر باعث شده است تا آنچه عرفان‌های نوظهور به عنوان فرهنگ نو ارائه می‌نمایند، حق جلوه نمایند. در این اثنا، تقابل بین سنت و مدرنیته و اختلاف دیدگاه بین دو نسل، نمود عینی پیدا می‌کند و نسل جوان، بدون شناخت اهداف سازندگان و مبلغان این عرفان‌ها به دنبال تبلیغات، نمادها و ابزارهای این فرقه‌ها می‌روند و استفاده از آن‌را افتخار و نشان تجدد می‌دانند.

### ۳-۶-۱) ریشه‌های سیاسی:

دشمنان این مرز و بوم که برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیاده‌سازی احکام اسلامی در جامعه از هیچ تلاشی دریغ نکرده و نمی‌کنند همانند گرگ‌هایی در لباس میش همواره در راه بازگشایی مسیری برای نفوذ در بطن جامعه در تلاش هستند. ناآشنایی نسبت به دشمنان و اهداف آنان در جامعه‌ای که دشمنان داخلی و خارجی خویش را نمی‌شناسد و راه مقابله با آنان را نمی‌داند، با اندک توطئه‌ای دچار ناهماهنگی درونی و تزلزل در اعتقادات می‌شود.

### ۴-۶-۱) ریشه‌های فردی:

در عرفان، نیاز مبرمی به لطافت روحی است. اولیاء خدا برای آن که شاگردان خود را آماده سازند، ذکرهایی را به آنان آموزش می‌دهند تا باعث تلطیف روحی آنان شوند. در برخی از عرفان‌ها نیز آموزش‌هایی برای اعمال فرامادی به فرد داده می‌شود؛ این آموزش‌ها که فرد را از سایرین متفاوت می‌سازد و گاهی قدرت‌های فرامادی به آن‌ها می‌دهد در تبلیغات بزرگ چنان عظیم جلوه می‌نماید که برخی از افراد را شیفته

خود می‌سازد. افراد کنجکاو با تمایل به متفاوت بودن با دیگران و کسب قدرت و نفوذ فردی به سوی این نوع عرفان‌ها گرایش می‌یابند. از طرفی انسان ذاتاً لذت طلب است؛ برخی این طلب ذاتی را به نحو منطقی در خود، کنترل می‌نمایند و برخی تمایل دارند به صورت افسارگسیخته به دنبال آن بروند. اکثر معنویت‌های کاذب در روش‌ها و منش‌های القایی خود اساساً لذت‌گرا هستند و این میل فردی را دستاویز جلب افراد قرار داده‌اند. انسان عصر مدرن که تمایل به دستیابی سریع به همه چیز را دارد، تحت تأثیر این تبلیغات این دسته از عرفان‌ها را منطبق با خواسته‌ها و امیال خود تلقی می‌کند و برای خروج از انزوای فردی و بی‌انگیزگی و سرخوردگی‌هایی که به دلایل مشکلات فردی، اجتماعی، اعتقادی و ... در او به‌وجود آمده است، گفته‌های تبلیغی را عین واقعیت پنداشته و جذب آن می‌گردد.

#### ۵-۶-۱) علل اجتماعی:

هر فردی در مسایل اجتماعی ممکن است دچار مشکلاتی شود و دنبال راه‌حل سریع برای آن باشد. اگر به جای نگرش اثبات‌گرا با نگاه شهودی به ظواهر پدیده‌های اجتماعی بنگرد و منطق حاکم بر حل مشکلات خود را بر مبنای این نوع نگرش‌ها استوار سازد، در دهکده جهانی در مواجهه با توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی ممکن است در دریای بی‌کران اطلاعات موجود، به انحراف کشیده شده و مسیر خود را به سوی این نوع عرفان‌ها سوق دهد. در برخی از جوامع نیز تعصب و وابستگی‌های قومی - قبیله‌ای یا نژادی وجود دارد که پر پرواز را از فرد می‌گیرد و وی را در دایره محدود حاصل از نگرش‌های تعصب مدار گرفتار می‌سازد. دسته‌ای دیگر از گرایش‌ها در اجتماع زنان پدیدار می‌شود. برخی نگرش‌ها با اهداف گوناگون از دیرباز در پی القای این دیدگاه هستند که حقوق زنان در جامعه رعایت نشده است و زنان را برای تلاش به دستیابی به حقوق از دست رفته خود به تغییر مسیر زندگی ترغیب می‌نمایند. زنانی که با روح لطیف خدادادی در مسیرهای معنوی به سرعت پروبال می‌گیرند در صورتی که در مسیر این نوع عرفان‌ها قرار گیرند احتمال سقوط بیشتری دارند.

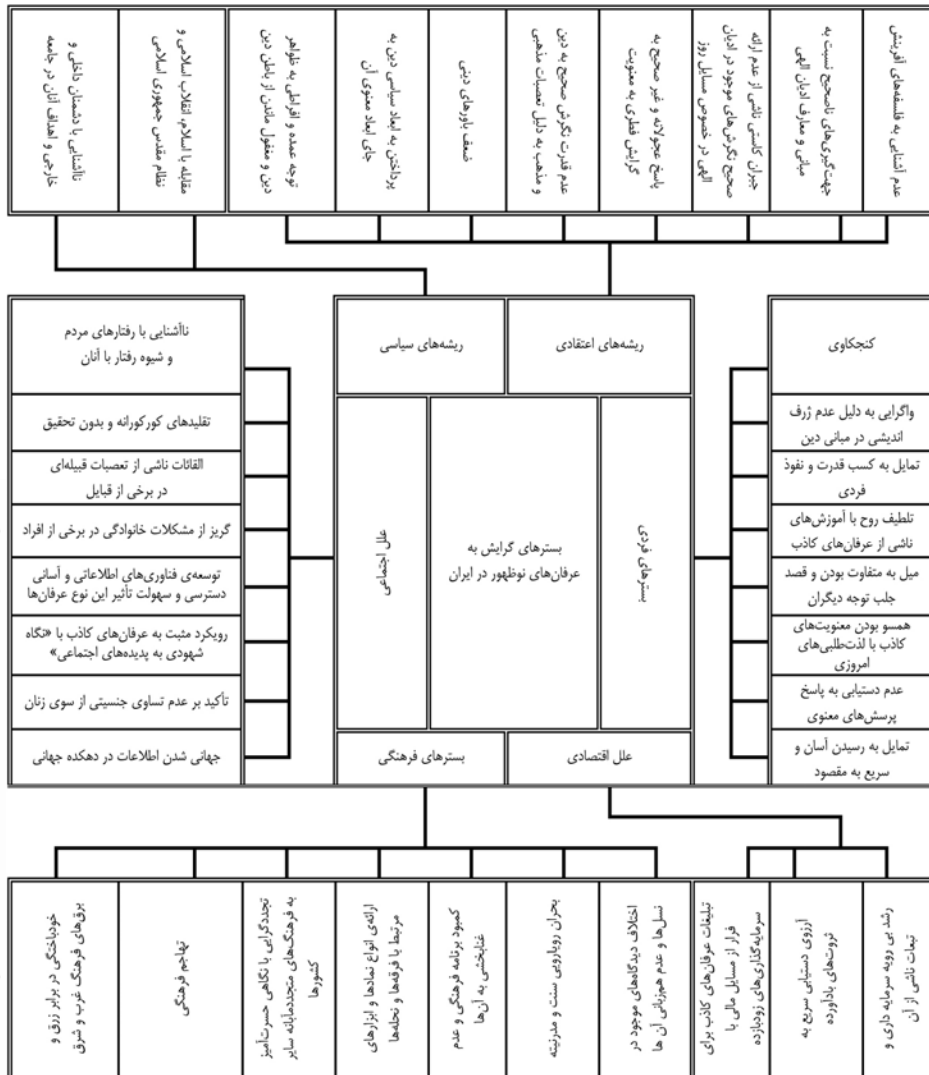
#### ۶-۶-۱) علل اقتصادی:

تبلیغات این قبیل ادیان و عرفان‌های کاذب برای فرار از مسایل و مشکلات مالی افرادی که به دنبال راحتی زودرس و سرمایه‌گذاری‌های زود بازده هستند آنان را به سوی این ادیان می‌کشد. به نظر می‌رسد این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر به سود سازندگان و مبلغان این عرفان‌هاست تا سرمایه‌گذاران.



۷-۱) ارائه مدل مفهومی

با اتکا به مبانی نظری موجود و مباحث ارائه شده بالا مدل مفهومی ذیل ارائه شده است:



بررسی ریشه‌های تغییر رفتار با آنان

## ۲- مواد، ابزار و روش‌ها:

### ۲-۱) ابزار:

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل ۳۶ سؤال بسته به منظور «بررسی بسترهای گرایش به عرفان‌های نوظهور» است. این سؤالات با توجه به مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های تعریف شده در مبانی نظری، در شش مؤلفه جداگانه (ریشه‌های اعتقادی، بسترهای فرهنگی، ریشه‌های سیاسی، بسترهای فردی، علل اجتماعی و علل اقتصادی) تنظیم و پاسخ‌ها در طیف لیکرت پیش‌بینی شد. محقق پس از تنظیم اولیه پرسشنامه آن را بین ۱۰ نفر از خبرگان توزیع و نظریات اصلاحی آنان را دریافت و اعمال نموده‌است. جامعه آماری تحقیق عبارت است از: خبرگان مرتبط با عرفان‌های نوظهور اعم از خبرگانی که در مجامع علمی در این زمینه درحال مطالعه و تحقیق هستند و یا خبرگان انتظامی که به نحوی با موارد و پرونده‌های مبارزه با کارکرد و توسعه عمل گروه‌های انحرافی با عناوین عرفان‌های نوظهور یا سایر عناوین مشابه هستند.

تعداد ۴۰ پرسشنامه بین خبرگان شناسایی شده توزیع و تعداد ۳۶ پرسش‌نامه جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار spss تجزیه و تحلیل آماری شد.

### ۲-۲) یافته‌ها:

فراوانی گزینه‌ها در پاسخ به هر سؤال از پاسخ‌نامه‌ها استخراج و در جدول شماره (۲) ارائه شده است:

جدول ۲- فراوانی گزینه‌ها در پاسخ به هر سؤال

ردیف	مؤلفه	عامل مؤثر بر مؤلفه					
		(۱) عدم آشنایی با فلسفه آفرینش	(۲) جهت‌گیری‌های ناصحیح نسبت به مبانی و معارف ادیان الهی	(۳) جبران کاستی‌های ناشی از عدم ارائه صحیح نگرش‌های موجود در ادیان الهی در خصوص مسایل روز	(۴) نوعی پاسخ عجولانه و غیر صحیح به گرایش فطری به معنویت	(۵) فقدان قدرت نگرش صحیح به دین و مذهب به دلیل تعصب مذهبی	(۶) ضعف باورهای دینی
۱	ریشه‌های اعتقادی	۱۲	۹	۱۰	۷	۴	۱۲
۲		۱۴	۲۲	۱۵	۱۹	۱۴	۱۷
۳		۸	۳	۸	۶	۱۲	۳
۴		۱	۱	۰	۲	۵	۱
۵		۰	۱	۱	۰	۰	۰
۶		۰	۰	۱	۰	۰	۰

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

۷	پرداختن به ابعاد سیاسی دین به جای ابعاد معنوی آن	۷	۱۴	۸	۲	۲	۳
۸	توجه عمده و افراطی به ظواهر دین و مغفول ماندن از باطن دین	۹	۱۹	۵	۰	۱	۲
۹	خودباختگی در برابر زرق و برق‌های موجود در فرهنگ‌های غرب و شرق	۹	۱۹	۶	۰	۱	۱
۱۰	تهاجم فرهنگی (بزرگ نمایی پیشرفت‌های فرهنگی غیراصیل و اصالت بخشیدن به این نوع فرهنگ‌ها به جای فرهنگ اصیل و غنی ایرانی)	۹	۲۱	۴	۰	۱	۱
۱۱	تجددگرایی با نگاهی حسرت‌آمیز به فرهنگ‌های متجددمآبانه سایر کشورها	۴	۲۴	۶	۰	۰	۲
۱۲	ارائه‌ی انواع نهادها و ابزارهای مرتبط با فرقه‌ها و نحله‌ها اعم از موسیقی، سینما، ادبیات و ...	۱۰	۱۴	۸	۰	۳	۱
۱۳	کمبود برنامه فرهنگی و عدم غنابخشی به آن‌ها	۱۷	۱۱	۶	۰	۱	۱
۱۴	بحران رویارویی سنت و مدرنیته	۷	۱۹	۴	۰	۴	۲
۱۵	اختلاف دیدگاه‌های موجود در نسل‌ها و عدم هم‌زمانی بین آن‌ها	۸	۱۸	۵	۰	۲	۳
۱۶	مقابله با اسلام، انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی	۲۰	۱۴	۲	۰	۰	۰
۱۷	ناآشنایی با دشمنان داخلی و خارجی و اهداف آنان در جامعه	۹	۲۲	۳	۰	۱	۱
۱۸	کنجکاوی	۸	۱۶	۸	۰	۴	۰
۱۹	ایجاد زمینه واگرایی فردی به دلیل عدم ژرف اندیشی و سطحی نگری	۵	۱۶	۶	۰	۹	۰
۲۰	تمایل به کسب قدرت و نفوذ فردی به‌ویژه برای فرقه‌هایی نظیر شیطان‌پرستی به عنوان مظهر یک سری از قدرت‌ها و راه انتقال	۳	۱۵	۱۳	۰	۴	۱
۲۱	تلطیف روح با آموزش‌های موجود در عرفان‌های کاذب برای فرار از مشکلات روحی و روانی	۹	۱۵	۸	۱	۲	۱
۲۲	میل به متفاوت بودن و قصد جلب توجه دیگران	۷	۱۹	۶	۰	۱	۳
۲۳	همسو بودن معنویت‌های کاذب با لذت‌طلبی‌های امروزی برای انسانی که لذت را در تمام ابعاد زندگی جستجو می‌کند	۹	۱۵	۹	۰	۱	۲
۲۴	بی‌انگیزگی و سرخوردگی فردی به‌دلیل عدم‌دستیابی به پاسخ پرسش‌های معنوی	۱۶	۱۱	۶	۰	۱	۲
۲۵	تمایل انسان مدرن برای رسیدن آسان و سریع به مقصود و تبلیغات این نوع عرفان‌ها برای ایجاد میانبرها	۴	۱۹	۹	۱	۲	۱
۲۶	ناآشنایی با رفتارهای مردم و شیوه رفتار با آنان	۶	۲۴	۳	۰	۱	۲
۲۷	تقلیدهای کورکورانه و بدون تحقیق	۶	۱۶	۸	۰	۳	۳
۲۸	تعصب قبیله‌ای در برخی از قبایل و القای ناشی از آن	۴	۱۱	۱۴	۱	۲	۱
۲۹	گریز از مسایل و مشکلات خانوادگی در برخی از افراد	۴	۱۳	۹	۱	۲	۱
۳۰	توسعه‌ی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی حاصل از فرآیند جهانی شدن با تأثیر در زیست اجتماعی	۱۰	۱۵	۶	۰	۳	۲
۳۱	عبور روش‌های علمی از «نگرش‌های اثبات‌گرایی» به «نگاه شهودی به پدیده‌های اجتماعی»	۶	۱۱	۱۷	۰	۲	۰
۳۲	عدم رعایت حقوق کامل زنان و تأکید بر عدم تساوی جنسیتی یا حداقل برداشت این نوع نگرش‌ها از سوی زنان	۲	۱۲	۱۶	۰	۳	۳
۳۳	عوارض جهانی شدن اطلاعات در دهکده جهانی	۲	۱۵	۱۱	۰	۴	۳

۳۴	عمل اقتصادی	تبلیغات ادیان و عرفان‌های کاذب برای فرار از مسایل و مشکلات مالی با سرمایه‌گذاری‌های زودبازده	۳	۱۹	۸	۱	۱	۴
۳۵		آرزوی دستیابی سریع به ثروت‌های بادآورده برای همه‌ی طبقات اقتصادی	۳	۱۱	۱۶	۲	۲	۲
۳۶		رشد بی‌رویه سرمایه‌داری و تبعات ناشی از آن مثل تنوع طلبی، مصرف‌گرایی، مدیریت و ...	۵	۱۱	۱۴	۳	۲	۱

**پایایی پرسش‌نامه:** برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفا کرونباخ استفاده شده است. جدول شماره (۳) مقادیر ضریب آلفا را نشان می‌دهد.

جدول ۳- پایایی پرسش‌نامه

تعداد سوال	ضریب آلفا کرونباخ	آزمون
۳۶	۰/۹۰۸	بسترهای گرایش به عرفان‌های نوظهور

برای تعیین نوع آزمون مورد استفاده از بعد پارامتری یا ناپارامتری، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به مقادیر بزرگتر از ۰/۰۵ سطح معنی داری، فرضیه نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان از آزمون پارامتری t تک نمونه‌ای استفاده نمود. نتیجه تجزیه و تحلیل آماری بر اساس این آزمون به شرح جدول شماره (۴) است:

جدول ۴- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی علل گرایش به عرفان‌های نوظهور

شماره فرضیه	متغیر	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	مقدار t	سطح معنی داری (Sig)
۱	ریشه‌های اعتقادی	۳۵	۴.۱۱۴۳	۰.۶۷۶۱	۰.۱۱۴۳	۹.۷۵۰	۰.۰۰۰
۲	بسترهای فرهنگی	۳۵	۴.۱۱۴۳	۰.۵۸۲۷	۰.۰۹۸۵	۱۱.۳۱۴	۰.۰۰۰
۳	ریشه‌های سیاسی	۳۶	۴.۰۸۳۳	۰.۷۳۱۹	۰.۱۲۲۰	۸.۸۸۱	۰.۰۰۰
۴	بسترهای فردی	۳۶	۳.۹۴۴۴	۰.۸۶۰۱	۰.۱۴۳۳	۶.۵۸۹	۰.۰۰۰
۵	عوامل اجتماعی	۳۶	۳.۶۱۱۱	۰.۹۰۳۳	۰.۱۵۰۵	۴.۰۵۹	۰.۰۰۰
۶	عوامل اقتصادی	۳۵	۳.۱۱۴۳	۰.۹۶۳۲	۰.۱۶۲۸	۰.۷۰۲	۰.۴۸۷

با توجه به جدول شماره (۴) آزمون  $t$  و مقایسه سطح معنی داری بدست آمده با (۰.۰۵) «sig»، با اطمینان ۹۵ درصد، می‌توان گفت از نظر جامعه آماری ریشه‌های اعتقادی، بسترهای فرهنگی، ریشه‌های سیاسی، بسترهای فردی و عوامل اجتماعی در گرایش افراد به عرفان‌های نوظهور موثر است؛ به عبارت دیگر فرضیه‌های اول تا پنجم مورد تأیید قرار می‌گیرد. لیکن سطح معنی داری برای فرضیه ششم بالاتر از ۰/۰۵ است و این فرضیه را رد می‌کند یعنی عوامل اقتصادی را در گرایش به عرفان‌های نوظهور مؤثر نمی‌داند. برای تعیین اولویت هر یک از عوامل مؤثر بر گرایش افراد به عرفان‌های نوظهور از آزمون «فریدمن» استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون «فریدمن» که در جدول شماره (۵) آمده است، با اطمینان ۹۵ درصد، می‌توان گفت تأثیر عوامل شناسایی شده در گرایش افراد به عرفان‌های نوظهور یکسان نیست و به شرح جدول شماره (۶) می‌باشد :

جدول ۵- نتایج حاصل از بررسی اولیه آزمون فریدمن

برای تعیین رتبه تأثیر عوامل مؤثر بر گرایش افراد به عرفان‌های نوظهور

تعداد نمونه	۳۶
خی دو فریدمن	۵۲.۹۶۷
درجه آزادی	۵
سطح معنی داری (Sig)	۰.۰۰۰

جدول ۶- نتایج حاصل از بررسی آزمون فریدمن

برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر گرایش افراد به عرفان‌های نوظهور

ردیف	عامل	میانگین	امتیاز	اولویت
۱	بسترهای فرهنگی	۴.۱۱۴۳	۴.۱۷	اول
۲	ریشه‌های اعتقادی	۴.۱۱۴۳	۴.۱۳	دوم
۳	ریشه‌های سیاسی	۴.۰۸۳۳	۴.۱۰	سوم
۴	بسترهای فردی	۳.۹۴۴۴	۳.۶۷	چهارم
۵	علل اجتماعی	۳.۶۱۱۱	۳.۰۱	پنجم
۶	علل اقتصادی	۳.۱۱۴۳	۲.۰۱	مردود اعلام شده است.

## ۳) نتیجه‌گیری و بحث:

از دیدگاه جامعه آماری مورد تحقیق از شش بستر و علت گرایش مفروض در مدل پیشنهادی، تنها ۵ علت و بستر مورد تأیید قرار گرفت و عامل تعریف شده به عنوان «عوامل اقتصادی» رد شد. پاسخ دهندگان، مهمترین علت گرایش به عرفان‌های نوظهور در ایران را بسترهای فرهنگی دانسته و ریشه‌های اعتقادی، سیاسی، بسترهای فردی و علل اجتماعی را به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار داده‌اند. اگر مروری دوباره به مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های ارائه شده در مبانی نظری داشته باشیم، می‌بینیم در وهله اول از نظر جامعه آماری مورد تحقیق، آنچه از اهمیت ویژه‌ای برای گرایش به عرفان‌های نوظهور در ایران برخوردار است، ریشه در ظواهر موجود در این عرفان‌ها دارد و زرق و برق موجود در فرهنگ‌های وارداتی غربی و شرقی و عدم غنا در برنامه‌های فرهنگی کشور، راه را برای شبیخون فرهنگی باز کرده است تا آنانی که شناخت کامل به مبانی دین نداشته یا در باورهای دینی ضعیف هستند از راستی‌های موجود در ادیان الهی دور شده و به ناراستی‌های پرزرق و برق موجود در عرفان‌های کاذب سوق داده شوند. از دیدگاه جامعه آماری، ترویج عرفان‌های نوظهور در ایران از برنامه‌های عمیق سیاسی دشمنان خارجی شناخته شده است که هدف آنان مقابله با اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی است و افراد، بدون شناخت این اهداف با نگاهی سطحی، شعارها و تبلیغات مروجان این عرفان‌ها را با خواسته‌های فردی خود همسو دیده و با تقلیدهای بی تحقیق با عبور از «اثبات‌گرایی» به «نگاه شهودی» به پدیده‌های اجتماعی به جای آن که به دنبال کشف صحت و سقم ادعاهای عنوان شده باشند، در دریای بی کران اطلاعات موجود در دهکده جهانی، تنها به دنبال شعارهای بی محتوا رفته‌اند تا از مسایل و مشکلات خود به آن پناه برند. آنچه مهم است این است که باید با نگاهی عمیق‌تر به این علل و عوامل به فکر چاره‌ای برای مقابله با گسترش این عرفان‌ها و روشن ساختن اذهان عمومی باشیم تا سطحی‌نگری نسبت به این موضوع باعث تباهی نسل نگردد.

## کتابنامه

- باقربان موحد، سیدرضا (۱۳۸۸) *جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور*، در: ماهنامه آینه پژوهش، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۱۵، صفحات ۲۸ تا ۳۱.
- پیرعلی، مصطفی (۱۳۹۰)، *صهیونیسم یا شیطان‌نسیسم (نقد و بررسی فرقه‌های شیطان‌پرستی)*، کرج: نشر مهدیار جوان.
- چاترجی، ساتیش؛ چاندر، دربندراموهان داتا (۱۳۸۴)، *معرفی مکتب‌های فلسفی هند*، مترجم: فرناز ناظرزاده کرمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- حسینی رستمی، سیدمحمد کمیل (۱۳۸۹) *علل گرایش به عرفان‌های نوظهور (بررسی دلایل رشد عرفان‌های کاذب در جهان و ایران)*، در: روزنامه کیهان، دوشنبه ۸۹/۶/۲۲، صفحه ۶.
- درگاهی فر، رضا (۱۳۹۰)، *شاخصه‌های عرفان‌های کاذب*، تهران: نشر جمهوری.
- داداشی آذر، رسول (۱۳۹۱)، *آشنایی با فرق و ادیان*، تهران: اداره کل آموزش و پرورش سازمان حراست کل کشور.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: معاونت فرهنگی و تبلیغی (۱۳۹۰)، *جستارهایی درباره عرفان‌های نوظهور و انحرافی*، قم: نشر یاد اندیشه.
- زودبین، حسین (۱۳۹۱)، *فرقه‌های نوظهور*، کرج: نشر مهدیار جوان.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹)، *عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب*، تهران: نشر به‌آموز.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱)، *درآمدی بر عرفان‌های حقیقی و عرفان‌های کاذب*، قم: نشر پرتو ولایت.
- شریفی‌دوست، حمزه؛ محمدحسین کیانی؛ حمیدرضا مظاهری سیف (۱۳۹۱)، *آسیب‌شناسی معنویت‌های نوظهور*، قم: نشر صهبای یقین.
- ضابط، حیدررضا (۱۳۸۳)، *بررسی جنبش‌های مذهبی غیرمتداول در جهان غرب*، در: مشکوه، پائیز و زمستان شماره ۸۴ و ۸۵.
- ظهیری، سید مجید (۱۳۹۱)، *التقاط - ضد عرفان و سلامت معنوی جامعه*، در: [www.rasekhoon.net/article/show/۶۶۴۵۴۸](http://www.rasekhoon.net/article/show/۶۶۴۵۴۸)
- فعالی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *زمزمه‌های شیطانی: آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب*، تهران: نشر دارالصادقین.
- کیانی، محمدحسین (۱۳۸۸)، *مؤلفه‌های معنویت نوپدید در ایران*، در: کتاب نقد، سال یازدهم، بهار و تابستان، شماره ۵۰ و ۵۱، صفحات: ۱۵۷-۱۰۹.

- کیانی، محمدحسین (۱۳۹۱)، *در باب چیستی جنبش‌های نوپدید دینی*، در: فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، تابستان، صفحات ۷۳-۹۴.
- محمودزاده، مریم (۱۳۸۹)، *عرفان‌های کاذب و انحراف جوانان*، در: روزنامه رسالت، ۸۹/۷/۴، صفحه ۲۰.
- مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹ الف)، *جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹ ب)، *سکولاریسم و عرفان‌های سکولاریستی: ادیان و عرفان‌های نوظهور (۴)*، در: روزنامه رسالت، ۸۹/۸/۱، صفحه ۱۹.
- مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹ ج)، *عوامل پیدایش معنویت‌های نوظهور*، در: ماهنامه موعود، تیرماه ۸۷، شماره ۸۹، صفحات ۱۲ تا ۱۳.
- مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *نقش جنبش‌های نوظهور در جنگ نرم*، قم: نشر عصر آگاهی.
- مفیدنژاد، مرتضی (۱۳۸۷)، *خطر گمراهی*، در: روزنامه رسالت، ۸۷/۸/۲۰، صفحه ۷.
- مهروی کنی، سعید (۱۳۸۶)، *دین و سبک زندگی*، مطالعه موردی: شرکت‌کنندگان در جلسات مذهبی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- هیوم، رابرت ارنست (۱۳۸۶)، *ادیان زنده جهان*، مترجم: عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر راستین.